

بزرگداشت ۲ هنرمند در آخرین صحنه جشن عروسک‌ها

اختتامیه نوزدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران - مبارک ساعت ۲۰ امشب در تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر برگزار می‌شود. در این مراسم قرار است از سال‌ها تلاش هما جدی‌کار و حسن دادشکر، دو هنرمند پیشکسوت تئاتر عروسکی تقدیر شود. هما جدی‌کار، نامی است که بسیاری از فعالان نمایش عروسکی با عشق و احترام از او یاد می‌کنند. هنرمندی که در جایگاه استاد دانشگاه در چشم و دل



علی رستگار گروه فرهنگ‌و هنر

برای اعتقادش می‌جنگد و آمپر می‌چسباند و همین جنگندگی و شور مبارزه است که مخاطب را علاقه‌مند به کاراکتر او و تا پایان قصه همراه می‌کند. فرقی هم نمی‌کند این جنگاوری در نقش حاج احمد متوسلیمان در «ایستاده در غبار» و برای وطن باشد یا کمال در دو قسمت «ماجرای نیمروز» برای مبارزه با تروریست‌ها و منافقین یا موسی در «لاتاری» برای فوران غیرت ایرانی یا کاظم در «آتابای» برای سوخت و سازی عاشقانه یا مهدی باکری در «موقعیت مهدی»

برای داوری در عاشورایی دیگر.

در امتداد این نبرد و دلیری به نعیم مولایی «پوست شیر» می‌رسیم که هادی حجازی‌فر در تجسم غیرت سنگ تمام می‌گذارد و وقتی یاشنه انتقام را ور می‌کشد، تا ته ماجرا می‌رود. جنگجویی و رزمندگی فقط شمایل آشنای سینمایی او نیست بلکه نسبتی با تقدیر و

احوالات شخصی‌اش هم دارد. حجازی‌فر همان‌طور که سر آدم‌های جنگ با هیچ‌کسی شوخی ندارد و پای اعتقادش در این زمینه می‌ایستد و برایش می‌جنگد، یک نمونه‌اش ساخت فیلم «موقعیت مهدی» و سریال «عاشورا» درباره برادران شهید مهدی و حمید باکری و لشکر ۳۱ عاشورا که به زودی از تلویزیون پخش می‌شود، در دبیری نوزدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران (مبارک) هم‌که امروز با معرفی برگزیدگان به پایان می‌رسد، برای تایید و رضایت گروه‌های نمایشی، خانواده عروسکی، بزرگان این عرصه و البته مخاطبان با مسائل مختلف دست و پنجه نرم می‌کند و سعی در رفع مضلت‌ها و افزایش سطح مطالبه‌گری هنرمندان دارد. البته جنگاوری حجازی‌فر در فضایی که عاشقانه دوستش دارد، با نرمش و لطافت هم همراه است و از آن عصبيت و تندخویی شمایل سینمایی‌اش خبر چندانی نیست، پشت آن حجم سیل، وجود نازکی نفس می‌کشد و در کالبد زیر پوست شیر او قلب پرنده‌ای می‌تپد.

برای آنهایی که شناختی از تحویلات و تجربیات موفق شما در زمینه نمایش عروسکی ندارند، شاید عجیب باشد بدانند کمال بی‌اعصاب «ماجرای نیمروز» انس و الفتی همیشگی با جهان عروسک‌ها دارد. آیا حالا این طیف از مخاطبان متوجه این هنر و توانایی شما شده‌اند و به گوش آنها رسیده‌است؟

نمی‌دانم. از جایی تصمیم گرفتم خیلی توضیح ندهم. به این نکته رسیدم که خیلی از سوال‌ها می‌تواند بی‌دلیل به وجود بیاید و به همان صورت هم از بین برود. اصلا لیسانس من در رشته نمایش عروسکی هنرهای زیبای دانشگاه تهران است. نیمی یا بیشتر کارهای من از سال ۷۷ نمایش عروسکی بود و با استادان درجه یکی کار کردم؛ زنده یاد جواد ذوالفقاری، آقای حسن دادشکر، خانم هما جدی‌کار، آقای ایرج محمدی و خیلی از اساتید دیگر. همیشه پای ثابت جشنواره‌های دانشجویی به ویژه همین جشنواره نمایش عروسکی تهران (مبارک) بودم. در آن دو دوره‌ای که خانم مرضیه برومند دبیر جشنواره بود، من دستیار ایشان بودم و در ستاد برگزاری جشنواره کار می‌کردم. اولین گروهی هم که راه انداختیم، گروه عروسکی بود. از سال ۸۲ که برای تحصیل در کارشناسی ارشد در رشته کارگردانی و بازیگری به دانشگاه تربیت مدرس رفتم، فعالیت در نمایش عروسکی را ادامه دادم و در کارهای صحنه‌ای هم از ابزار و شگفتی‌های تئاتر عروسکی استفاده کردم. آخرین اجرای عروسکی من که کار موفقی هم شد، «ملاقات بانوی سالخورده» بود که دو مقطع روی صحنه رفت؛ اول در سالن اصلی تئاتر شهر و بعد هم در فرهنگسرای نیاوران.

می‌توانم بگویم این نمایش موفق‌تر و جذاب‌تر از فیلم «بی‌همه چیز» (که اقتباسی از نمایشنامه فریدریش دورنمات است) بود یا نه؟

(می‌خندد) انصافا «بی‌همه چیز» هم فیلم خوبی بود. نگاه‌ها متفاوت است. شاید جالب باشد بدانید که من اولین بار با مجسن قزایی (کارگردان فیلم بی‌همه چیز) سر همان نمایش آشنا شدم و با آقای رضا میرکرمی آمده بود کار را ببینم. محسن از همان قدیم جزو طرفداران پروپاقرص این نمایشنامه بود. خلاصه این‌که دوستان نمایش عروسکی مرا می‌شناسند و می‌دانند که همیشه پرشور و شور بودم اما عامه مردم اطلاعی از این پیشینه نداشتند و شاید هنوز هم نداشته باشند. مهم این است که حالم در نمایش عروسکی خوب است و تصمیم جدی گرفتم که بعد از پایان جشنواره، اساتر یک کار عروسکی جدید را برزم.

سینما یا تئاتر؟

دوست ندارید یک کار عروسکی برای سینما بسازید؟

چرا که نه. البته من کلا علاقه به نمایش عروسکی در حوزه بزرگسال دارم. تصمیم دارم با همین دوستانی که در جشنواره همراهم هستند، کمپانی تئاتر عروسکی خودمان را تاسیس کنیم. چون احساس می‌کنم تولید خیلی بهتر از مدیریت یک جشنواره می‌تواند نتایج مثبتي برای جامعه و خانواده تئاتر عروسکی داشته‌باشد.

جشنواره‌ها معمولا ویتزین نمایش آثار هستند و دبیر و مدیران این رویدادها نقشی در تولید کارها ندارند. فارغ از کشف استعدادهایی که عموما در جشنواره‌ها اتفاق می‌افتد و حتما در نوزدهمین جشنواره نمایش عروسکی هم نمونه‌هایی هستند، اما ایده راه‌اندازی یک کمپانی با تمرکز روی تولید، خیلی بیشتر می‌تواند به کشف استعداد و تربیت آنها برای فعالیت حرفه‌ای کمک کند.

دقیقا دنبال ساماندهی دوستان بااستعدادی هستم که سال‌ها با هم کار کردیم. الان طبعاً من به واسطه حضورم در سینما امکانات

دانشجویانش ستایش‌برانگیز است تا جایی که اغلب آنان مهر او را همچون محبت مادرانه توصیف می‌کنند. حالا این استاد دوست داشتنی و متعهد بازنشسته شده و برگزارکنندگان جشنواره نوزدهم نمایش عروسکی که خود روزگاری دانشجوی جدی‌کار بوده‌اند، قرار است در اختتامیه جشنواره از او تجلیل کنند. حسن دادشکر نیز دیگر هنرمندی است که در تئاتر عروسکی موی سپید کرده است. او مدرک لیسانس بازیگری از

بیشتری برای جمع‌کردن این دوستان دارم. در کنار آن وجود جشنواره نمایش عروسکی تهران (مبارک) برای خانواده عروسکی حیاتی است. چون حداقل حمایت از گروه‌ها اتفاق می‌افتد تا بتوانند بخشی از هزینه‌های شان را در این وضعیت گرانی متریال جبران کنند. ضمن این‌که ما در این دوره جشنواره نگذاشتیم هیچ ایده و استعدادی بیرون بماند و حتی با اغماض اجازه دادیم برخی در جشنواره حاضر باشند تا تجربه گروه‌ها افزایش پیدا کند.

یعنی آن گلایه‌ای که معمولا در جشنواره‌ها مطرح است و برخی مدعی هستند کار خوب‌شان به دلایلی رد شد و پذیرفته نشد در این جشنواره وجود ندارد؟

نه. ما حتی بیشتر کارگردان‌هایی که کارشان در جشنواره پذیرفته نشد را هم به‌عنوان مهمان دعوت کردیم. امتیاز این کار این است که کارهای حاضر در جشنواره را می‌بینند و متوجه می‌شوند کار خودشان به چه دلایلی و در مقایسه با چه آثاری پذیرفته نشد. مثلاً وقتی کارم در جشنواره‌ای رد می‌شد، می‌گفتم همه آنها با هم رقیف هستند و برای همین کار مراد کردند برای همین خواستیم با این کار، سوءتفاهم‌های این چنینی را برطرف کنیم. حتی در بحث داوری و جوایز هم سعی در رفع سوءتفاهم‌ها و شائبه‌ها داریم و کارگردان‌های هر بخش، آثار همان بخش را داوری می‌کنند و به هم امتیاز می‌دهند. این هم یک تمرین دموکراسی است و هم این حسن را دارد که من به‌عنوان کارگردان حاضر در جشنواره، دیگر آثار آن بخش را هم دیده‌ام. گاهی کارگردانی که حتی یک کار هم در جشنواره ندیده‌است به جوایز اعتراض می‌کند و می‌گوید جایزه حق من بود. وقتی این کارگردان کار دیگری ندیده، از کجا می‌داند جایزه حق او بود؟ در این جشنواره، یک‌سری اولین‌ها داریم که به نظرم اثرات مثبتی خواهدداشت.

مثل رقابتی شدن آثار که پس از چند دوره دوباره به جشنواره برگشت. به خاطر ایجاد انگیزه این تصمیم را گرفتید؟

هم برای ایجاد انگیزه در جوان‌ها و هم این‌که به هر حال جایزه هم نوعی کمک به گروه‌هاست. در این جشنواره تلاش کردیم تا حدود ۹۸ درصد بودجه به خانواده عروسکی برگردد.

آن دو میلیارد تومان مبلغ بایقمانده از ۱۲میلیارد تومان که وزیر ارشاد برای افزایش بودجه جشنواره وعده داده بود، محقق شد؟ آن خبر که درست منعکس نشده بود. قرار بود بودجه جشنواره ۱۲میلیارد تومان افزایش پیدا کند که در نهایت ما گفتیم «۱میلیارد هم خوب است. بخشی از آن مبلغ تامین شده و بخشی هم تا پایان جشنواره تامین می‌شود. به جز این همه توان‌مان را روی بحث اسپانسر گذاشتیم و امیدواریم حداقل ۶۰تا ۷۰ درصد بودجه‌ای را که فکر کردیم، تامین کنیم تا این پول در صندوق تئاتر بماند. چون واقعا بودجه تئاتر، شوخی است و امیدوارم مجلس و دولت این موضوع را جدی بگیرند. گاهی یک مدیر اصلا نیاز به تئاتر را حس نمی‌کند، با این‌که این مسأله هم فاجعه‌است اما ناچار قبول می‌کنیم، ولی باید به این فکر کرد که یک خانواده چند هزار نفره از این طریق امرار معاش می‌کند. الان دارند به یک‌سری کارخانه زیانده سوبسیدی می‌دهند تا کارگران آنها بیکار نشوند که فکر درستی هم است. بعد در چنین وضعیتی اصلا به تئاتر فکر نمی‌کنیم و نمی‌گویم با این کار امید به زندگی، امید به پیشرفت و امید به آینده این همه فعال را نابود می‌کنیم.

به همین دلیل باید بخش خصوصی به موضوع ورود کند و باید با نماینده‌های آن گفت‌وگو شود. بخش خصوصی نباید احساس کند ما می‌خواهیم جیب او را برنیم بلکه باید احساس کند که تئاتر برایش عایدی دارد. الان برای این جشنواره، با بنگاه‌های اقتصادی و خدمات‌رسانی صحبت کرده‌ایم تا به نتیجه برسیم و بعد از جشنواره اعلام کنیم که توانستیم خودمان ۶۰تا ۷۰درصد بودجه جشنواره را تامین کنیم. در نهایت امیدوارم این جشنواره هم به تولید ختم شود و دست گروه‌های نمایشی را در دست بنگاه‌های اقتصادی و پلتفرم‌ها بگذاریم و شاهد تولید و نمایش آثار خوب باشیم. یکی از اتفاقات خوب این دوره حضور مثبت سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران بود. واقعا انتظارش را نداشتیم این قدر خوب پای کار بیایند.

البته صرف گفت‌وگو با نهادها و بنگاه‌های اقتصادی کافی نیست و باید برنامه خوب ارائه کنید و تاییدش را بگیرید. وقتی شما نیروی اجرایی باشید، نواقص و کم و کاستی‌های کار را هم می‌شناسید. مثلا من الان می‌دانم جشنواره چه مشکلاتی دارد یا می‌دانم وضعیت هتل محل اقامت گروه‌های شهرستانی مهم است برای همین هر روز سر می‌زنم و شرایط آنجا را بررسی می‌کنم. هر قدر وضعیت جشنواره خوب باشد اما

دانشکده هنرهای دراماتیک دارد و اولین گروه تئاتری نوجوانان را در تهران پایه‌گذاری کرده است. او نیز جزو اولین فعالان تئاتر و تئاتر عروسکی در کانون پرورش فکری است که مدتی سمت مدیریت مرکز تئاتر و تئاتر عروسکی کانون را عهده‌دار بوده است. افزون بر این، سال‌ها در مراکز آموزشگاهی همچون دانشکده سینما تئاتر و موسسه آموزش عالی سوره، اداره ارشاد استان تهران و... به تدریس پرداخته است.



گفت‌وگوی «جام‌جم» با دبیر نوزدهمین جشنواره نمایش عروسکی تهران (مبارک)

دنیای حجازی‌فر فراتر

متاسفانه بازیگری در این سرزمین خیلی از درهای بد



شما باید بتوانید در این فرصت‌های گفت‌وگو، آنها را با ارائه نمونه‌های خوب و موفق قانع کنید. البته این گفت‌وگوها از موضع پایین هم نیست و به این دوستان می‌گویم که اگر الان سراغ حمایت مالی از این کارها نیابید، وقتی آثار برای نمایش عرضه و با موفقیت روبه‌رو شد، آن وقت باید با چند برابر قیمت فعلی پای کار بیایید. این یک واقعیت است و با یک بده‌بستان طرفیم. اگر یک مدیر تولید زمانی به تو مبلغ ۱۰میلیون تومان پرداخت کرده، زمان شهرت و موفقیت باید همین ۱۰میلیون را هم جبران کند. نکته مهم دیگر این‌که ما باید دلسوز سرمایه‌گذاران باشیم و از میان سه سرمایه‌گذاری، باید از دو تای آن جواب بگیرد. او که به ما بده‌کار نیست. اگر کسی به هنر بده‌کار باشد، آن دولت است. وظیفه دولت است که پول بدهد، وظیفه شهرداری است که در این زمینه هزینه کند. اگر الان ما از شهرداری تشکر می‌کنیم، به خاطر انجام وظیفه آنهاست. همه جای دنیا این شکلی است. ولی ما اینجا سازوکار مناسبی نداریم. حرفم این است اگر بخش خصوصی از کاری که ما انجام می‌دهیم، ناراضی باشد، خیانت به حرفه خودمان است. اگر نگاه ما در این حوزه، یارانه‌بگیری باشد، کلاه‌هان پس معرکه است.

حتی در فضای دولتی و فارغ از آن وظیفه ذاتی برای حمایت، چنین نگاهی پذیرفته نیست. در صورت قطعی شدن اختصاص تالار قشقایی به اجراهای گروه‌های نمایش عروسکی هم باز باید سازوکار عرضه و تقاضا را لحاظ کنیم و برای استمرار درست این چرخه و روشنایی چراغ سالی، نیاز به ارائه آثاری جذاب و باکیفیت در طول سال است.

آفرین. نمی‌توان در زمینه کیفیت و استاندارد‌های نمایش عروسکی به آثار تخفیف داد و بگویم چون آنجا قرار است محل اجرای نمایش‌های این حوزه باشد، هر اثری را به هر کیفیتی روی صحنه برود. بیشتر آثار باید بتوانند به‌جز آن سوبسید و حمایت دولتی، فروش خوبی هم در گیشه داشته‌باشند. اگر کاری اجرا شود که فروش نداشته‌باشد، حق کار دیگری را ضایع می‌کند. همین اسمال آقای محمدجواد طاهری، مدیر

مهمانان شرایط خوبی نداشته‌باشند و بی‌احترامی ببینند، کل اعتبار جشنواره از بین می‌رود.

به نظر می‌رسد در بحث جذب اسپانسر و مجاب کردن بنگاه‌های اقتصادی و بخش خصوصی برای تئاتر عروسکی با چالش بیشتری نسبت به دیگر حوزه‌های نمایشی روبه‌رو هستید. به دلیل این‌که معمولا این آثار چهره‌های سرشناس و عامه‌پسندی ندارند که سرمایه‌گذاران را علاقه‌مند به حمایت مالی کند. راه‌های جذب اسپانسر در این فضا چیست؟

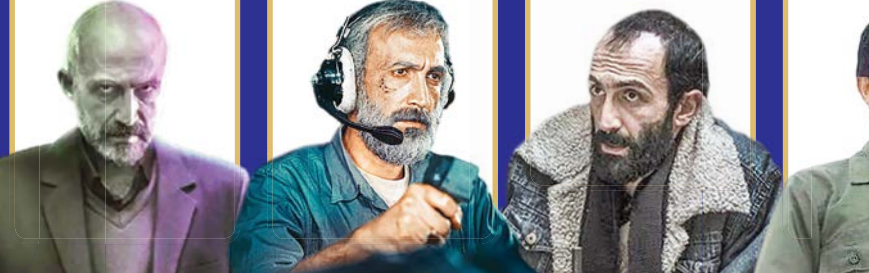
چطور یک عروسک مثل جناب‌خان از من معروف‌تر است؟ در همه دنیا همین‌طور است و مباحثی چون تبلیغات صنعتی، نقد اجتماعی، فرهنگ‌سازی و موضوعات دیگر از طریق عروسک و نمایش‌های عروسکی مطرح می‌شود و تأثیرات فراوانی دارد. چون مردم با عروسک مهربان‌تر هستند. باید در این زمینه سیاست‌گذاری وجود داشته‌باشد و نمونه‌های خوب تولید کرد و آن را به سرمایه‌گذاران ارائه داد. در همین جشنواره هم برخی نماینده‌های این بنگاه‌های اقتصادی را به دیدن نمایش‌های خاصی بردم، چون این کارها به موضوعاتی که به درد آنها می‌خورد، نزدیک‌تر بود. اگر آنها را به دیدن یک کار فالش (به زعم حامی مالی) می‌بردم، راغب به سرمایه‌گذاری در این عرصه نمی‌شدند. درحالی‌که همان نمایشی که سرمایه‌گذار آن خوش نمی‌آید، واجد بسیاری از ویژگی‌های ارزشمند آکادمیک و تجربی است. سرمایه‌گذاران بخش خصوصی باید با عروسک‌های زیبا و نمایش‌هایی مواجه شوند که آنها را به وجد بیاورد. اگر ما تولید خوب داشته‌باشیم، به‌راحتی می‌توانیم اسپانسر جذب کنیم. بازیگر بودن من، امکان و فرصتی داد تا با آنها گفت‌وگو کنم. آنها به همین راحتی پول نمی‌دهند.



تصمیم داریم با همین دوستانی که در جشنواره نمایش عروسکی همراه هستند کمپانی تئاتر عروسکی خودمان را تاسیس کنیم

بهترین‌های کارهای ۱۳۹۶ ۱۳۹۵ ۱۳۹۴ ۱۳۷۷

بازی در نقش یونس در فیلم «به وقت شام» (ابراهیم حاتمی‌کیا)، قصه درباره پدر و پسر خلیان، یونس و علی است که به سوره می‌روند تا مردم تحت ظلم داعش را به وسیله این پرواز نجات دهند. نکته جالب این‌که حجازی‌فر با تنها چهار سال اختلاف سن نقش پدر بایک حمیدیان را در فیلم بازی می‌کند.



بازی در دومین فیلم سینمایی (پس از «مزرعه پدری» در سال ۸۲) به نام «ایستاده در غبار» (محمدحسین مهرشیران) و در نقش جاویدالانتر احمد متوسلیمان. حضور درخشان حجازی‌فر در قالب این فرمانده شجاع، از نقاط قوت ایستاده در غبار بود و نقش مهمی در بهتر دیده‌شدن فیلم داشت.

تحصیل در دوره کارشناسی نمایش عروسکی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و آغاز فعالیت در تئاتر عروسکی و دانشجویی، دریافت مدرک لیسانس و تحصیل در دوره کارشناسی ارشد در رشته کارگردانی و بازیگری دانشگاه تربیت مدرس در سال ۸۲. اجرای نمایش‌های موفق عروسکی همچون دایره، (انتر برگزیده جشنواره عروسکی دانشجویان) رومشو و ژولیت (نمایش برگزیده جشنواره مبارک)، ملاقات بانوی سالخورده (نمایش برگزیده جشنواره مبارک) و... از اوایل دهه ۸۰ تا سال ۱۳۹۳.

کارگردانی در تئاتر

امیدواریم آن گروه از مخاطبانی که کارهای نمایشی و عروسکی هادی حجازی‌فر را ندیده‌اند، این بخت را داشته باشند تا به تماشای هنرمندی او در این عرصه بنشینند و حجازی‌فر دوباره آثار جذابی را روی صحنه ببرد. یکی از موفق‌ترین نمایش‌های زنده - عروسکی او «ملاقات بانوی سالخورده» بود که سال‌های ۹۳ و ۹۴ براساس نمایشنامه مشهور فریدریش دورنمات در دو مقطع و در سالن‌های اصلی تئاتر شهر و فرهنگسرای نیاوران اجرا شد. نکته جالب این‌که حجازی‌فر بعدها در فیلمی براساس همین نمایشنامه هم بازی کرد: «بی‌همه چیز».



حجازی‌فر موقع کارگردانی نمایش «ملاقات بانوی سالخورده»